

بررسی و نقد مطالعات برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب زبان‌ها؛ مطالعه موردی کتاب «المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة للناطقین بلغات أخری»

دانش محمدی*

چکیده

مطالعات برنامه ریزی درسی در آموزش زبان عربی در ایران برخلاف کشورهای عربی بسیار اندک و انگشت شمار است. کتاب «المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة للناطقین بلغات أخری» از مهمترین کتاب‌های این حوزه در کشورهای عربی است که این پژوهش برآن است به نقد و بررسی این کتاب بپردازد. روش پژوهش به این صورت است که تلاش خواهد شد نقاط قوت و ضعف شکلی و محتوایی اثر تبیین شود. در بررسی محتوایی، مباحث مطرح شده در کتاب با کتاب‌های برنامه ریزی درسی بویژه در زبان انگلیسی مقایسه می‌شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه نویسندگان در این کتاب یک دیدگاه فرهنگی است و در واقع نویسندگان توانسته‌اند از طریق بومی‌سازی نظریات و رویکردهای غربی در برنامه درسی، آنها را در یک چهارچوب اسلامی عربی برای آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها ارائه دهند. از جمله نارسایی‌های محتوایی این اثر فقدان بحث و بررسی عنصر مهم «نیازسنجی» در برنامه درسی و نپرداختن به مباحث مهمی مثل روش‌های تربیت معلمان و ارزیابی و ارتقاء عملکرد آنان است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، زبان عربی، غیر عرب‌زبان‌ها، برنامه درسی، رویکرد فرهنگی.

* استادیار بخش زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز، d.mohammadi64@shiraza.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۰

۱. مقدمه

برنامه درسی یکی از حوزه‌های بین رشته‌ای آموزش زبان خارجی است. طراحی برنامه درسی از دیرباز به صورت‌های مختلف در حوزه آموزش زبان‌های خارجی وجود داشته است. «امروزه آموزش زبان دوم یا زبان خارجی یکی از بزرگترین طرح‌های آموزشی در جهان است. میلیون‌ها کودک و بزرگسال در سراسر دنیا زمان، هزینه و تلاش زیادی را برای یادگیری زبان جدید صرف می‌کنند. مدرسان نیز بخش زیادی از نیرویشان را برای طراحی دوره‌های زبانی و آماده سازی مواد آموزشی برای تدریس در کلاس‌هایشان صرف می‌کنند (ریچاردز، ۲۰۰۱: ۲۳) پژوهش‌های برنامه درسی در زبان‌های خارجی حوزه‌ای است که تلاش می‌کند با بررسی مبانی این دوره‌ها اهداف، محتوا، روش و فعالیت‌های تدریس و ارزشیابی بر اساس اصول علمی و نیازهای واقعی طراحی شود. این پژوهش‌ها غالباً در پی پاسخ به این سوالات هستند:

«چه مراحل و ابزارهایی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را برای انتخاب و تنظیم محتوای برنامه درسی زبان به کار گرفت؟ نیازهای یادگیرندگان چیست؟ چگونه می‌توان نیازهای یادگیرندگان را مشخص کرد؟ عوامل بافتی که باید در طراحی برنامه درسی زبان لحاظ کرد چیست؟ اهداف عام و اهداف خاص در تدریس چه ویژگی‌هایی دارند و چگونه می‌توان آن‌ها را گسترش و بهبود بخشید؟ طراحی محتوا در یک دوره آموزش زبان دارای چه عوامل و ویژگی‌هایی است؟ چگونه می‌توان تدریس مناسبی برای برنامه مورد نظر، طراحی کرد؟ انتخاب، طراحی و سازگار کردن مواد آموزشی نیازمند در نظر گرفتن چه مواردی است؟ چگونه می‌توان کارآمدی برنامه زبانی مورد نظر را سنجش کرد؟» (همان، ۲۳)

امروزه برنامه درسی علاوه بر اینکه به عنوان یک رشته مستقل در اغلب دانشگاه‌های سراسر دنیا وجود دارد، به عنوان یک حوزه بین رشته‌ای وارد رشته‌های آموزشی دیگر مثل آموزش زبان‌های خارجی، آموزش ریاضیات و آموزش علوم نیز شده است. در آموزش زبان عربی سالهاست که در دانشگاه‌های عربی، در اغلب دانشکده‌های علوم تربیتی، در رشته برنامه درسی و روش‌های تدریس به برنامه درسی آموزش زبان عربی هم توجه می‌شود و پژوهش‌های فراوانی در این زمینه صورت گرفته است. در ایران اما علی‌رغم گسترش آموزش زبان عربی در سی سال گذشته، توجه به پژوهش‌های حوزه برنامه درسی بسیار اندک و انگشت شمار بوده است. بی‌شک معرفی و بررسی تجارب کشورهای عربی در برنامه درسی آموزش زبان عربی چه در حوزه عملی و چه در

حوزه پژوهش، گامی مهم برای زمینه سازی در راستای استفاده از این تجارب و بهبود برنامه‌های درسی آموزش عربی در ایران است.

این جستار می‌کوشد با بررسی کتاب «المرجع فی مناهج تعلیم اللغه العربیه للنناطقین بغیرها»، این پژوهش را به عنوان یکی از جدیدترین پژوهش‌های حوزه برنامه‌ریزی درسی در آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها، به دانشجویان، پژوهشگران، برنامه‌ریزان و مدرسان زبان عربی معرفی کند. بررسی این کتاب که نویسندگان آن از مدرسان، متخصصان و اساتید با تجربه و متخصص برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان عربی هستند، می‌تواند گام موثری در انتقال تجارب حوزه برنامه‌ریزی درسی کشورهای عربی به کشور ما باشد.

پژوهش حاضر تلاش دارد به این سه پرسش پاسخ دهد: ۱- دیدگاه و روش غالب نویسندگان در برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبانان چیست؟ ۲- نوآوری و ارزش علمی این اثر در مقایسه با آثار مشابه در زبان عربی و انگلیسی چیست و نقاط ضعف آن کدام است؟ ۳- تجارب قابل استفاده از این اثر برای برنامه‌های درسی آموزش زبان عربی در ایران کدام است؟

۲. روش پژوهش

با توجه به اینکه این اثر یک کتاب پژوهشی و نه آموزشی است، از معیارهای کمی برای تحلیل محتوای استفاده نشد بلکه تلاش شد تا از طریق بررسی پژوهش‌های مشابه در این زمینه و مقایسه آنها و همچنین با در نظر گرفتن ضرورت‌های پژوهشی حوزه برنامه‌ریزی درسی این کتاب نقد و بررسی شود. با توجه به اینکه این کتاب با درخواست گروه عربی در شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی نقد شد، تقریباً از چهارچوب ارائه شده توسط این شورا برای نقد کتاب استفاده شد. چهارچوب پیشنهادی شامل این موارد است: ۱- تحلیل بیرونی اثر (معرفی کلی مؤلف و اثر و موضوعات اصلی و کانونی)، ۲- بررسی شکلی اثر (۱- صفحه آرایی، صحافی و قواعد ویرایش و نگارش ۲- جامعیت صوری اثر (مقدمه و بیان هدف اثر، فهرست مطالب، نمودارها و جدول‌های توضیحی، فهرست مراجع و اعلام) و ۳- بررسی محتوایی اثر (رویکرد و دیدگاه کلی نویسندگان، روش در برنامه درسی پیشنهاد، میزان تناسب و جامعیت محتوا و موضوع اثر با سرفصل‌های برنامه درسی، نوآوری و ارزش علمی اثر، فواید و نارسایی‌های محتوایی اثر).

در بررسی محتوایی اثر تلاش شد مقایسه ای بین این کتاب و کتاب‌های برنامه ریزی درسی در آموزش زبان انگلیسی صورت گیرد تا کاستی‌ها و نقاط قوت کتاب بهتر تبیین گردد.

۳. ادبیات نظری پژوهش

واژه (curriculum) به معنی برنامه درسی در زبان انگلیسی به کلمه لاتینی «currere» به معنی «میدان مسابقه» بر می‌گردد که در آن رقبا برای رسیدن به نقطه پیروزی تلاش می‌کنند. برنامه درسی هر مؤسسه آموزشی نیز مجموعه‌ای از طرح‌ها و سازماندهی‌ها است که هدف آن انتقال دانش آموز از یک ایستگاه به ایستگاه دیگر از طریق مجموعه‌ای از راهنمایی‌ها، معلومات و مهارت‌ها است (هوانه، ۱۹۸۸: ۳۲).

در فرهنگ اصطلاحات تربیتی، سه تعریف برای برنامه درسی ذکر شده است: «مجموعه‌ای از سرفصل‌ها و مواد آموزشی که برای فارغ التحصیلی یا گرفتن یک مدرک علمی در یکی از رشته‌های تحصیلی به کار می‌رود مثل برنامه درسی اجتماعی یا برنامه درسی ریاضیات.

یک چهارچوب کلی برای مواد آموزشی است که دانش آموز با هدف کسب مدرکی که او را برای شغل یا حرفه‌ای آماده می‌سازد، در مدرسه یاد می‌گیرد.

مجموعه‌ای از سرفصل‌ها و تجاربی که دانش آموز یا دانشجو در مدرسه و دانشگاه آنها را کسب می‌کند» (بسیونی، عمیره، ۱۹۹۱: ۲۹ نقل شده از جود، ۱۹۷۳)

احمد طعیمه، احمد مدکور و احمد هریدی (۲۰۱۰) هم برنامه درسی را اینچنین معرفی می‌کنند: «مجموعه‌ای از حقایق، تجارب، مهارت‌ها، فعالیت‌های شناختی، روانشناسی، اجتماعی و زبانی است که یک مؤسسه برای تربیت و تحقق اهداف مورد نظر، ارائه می‌دهد» (ص ۵۴). با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان گفت مفهوم برنامه درسی مجموعه‌ای از ارشادات و خط‌مشی‌هایی است که یک مؤسسه یا مرکز برای فراگیران خود ارائه می‌دهد و دربرگیرنده اهداف، محتوا و سرفصل‌ها، روش و فعالیت‌های تدریس و مواد آموزشی و شیوه‌های سنجش و ارزشیابی است.

برای طراحی برنامه درسی زبان خارجی، مدل‌های زیادی ارائه شده است که هر کدام الگویی را برای طراحی و اصلاح برنامه‌های درسی ارائه داده‌اند. مدل‌های ارائه شده در شیوه طراحی و اصلاح برنامه درسی اختلافات جزئی دارند و اصطلاحات متفاوتی را برای عناصر برنامه درسی پیشنهاد کرده‌اند، با این وجود عناصر مألوف برنامه درسی بر

اساس اغلب این مدل‌ها: نیازسنجی و تحلیل موقعیت‌ها، اهداف، محتوا، روش و فعالیت‌های تدریس و مواد آموزشی، ارزشیابی از یادگیری فراگیران و ارزیابی برنامه درسی، است. هر برنامه درسی دارای مجموعه‌ای از اصول فلسفی، اجتماعی، زبانی و تربیتی نیز است که جهت‌دهی کلی آن را تعیین می‌کنند.

برای نقد و بررسی هر پژوهشی در حوزه برنامه ریزی درسی در نظر گرفتن شیوه ارائه عناصر برنامه درسی، اصول آن برنامه و دیدگاه کلی حاکم بر آن برنامه ضروری است.

۴. نقد و بررسی اثر

۴-۱. معرفی مؤلف و اثر

کتاب «المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة للناطقین بلغات أخرى» یکی از مهمترین و جدیدترین کتاب‌هایی است که در موضوع «برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب زبان‌ها» نوشته شده است. مشخصات کامل این کتاب به شرح زیر است:

نویسندگان	نوبت چاپ	سال چاپ	انتشارات	کشور	تعداد صفحات کتاب
دکتر رشدی احمد طعیمه دکتر علی احمد مدکور دکتر ایمان احمد هریدی	چاپ اول	۲۰۱۰ م	دار الفكر العربی	مصر- قاهره	۶۷۴

دکتر رشدی احمد طعیمه استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه ام القری است. از جمله مهمترین آثاری وی:

المهارات اللغویة: مستوياتها، تدریسها، صعوباتها، القاهرة، دار الفكر العربی، ۱۴۲۷. / کتاب الأساسی لتعلیم اللغة العربیة للناطقین بلغات أخرى: إعداد، تحلیل، تقویمه، با همکاری محمود کامل الناقه و انتشارات دانشگاه ام القری (۱۴۲۷) / تعلیم اللغة اتصالیا بین المناهج و الاستراتیجیات، با همکاری محمود کامل الناقه و انتشارات ایسیسکو (۲۰۰۶) / تعلیم القراءة و الأدب، با همکاری محمد علاء الدین الشعیبی، قاهره انتشارات دار الفكر العربی (۲۰۰۶) / تدریس العربیة فی التعلیم العام: نظریات و تجارب، انتشارات دار الفكر العربی (۲۰۰۰) / المعلم: کفایاته - إعداد - تدریبه، انتشارات دار الفكر العربی، (۲۰۰۱) / الأسس العامة لمنهج تعلیم اللغة العربیة: إعدادها - تطویرها - تقویمها، انتشارات دار الفكر العرب.

دکتر علی احمد مدکور هم استاد بازنشسته دانشکده علوم تربیتی دانشگاه قاهره است. از جمله آثار ایشان:

تدریس فنون اللغة العربية، دار الفكر العربي (۲۰۰۲)، منهج التربية الإسلامية أصوله و تطبيقاته، مكتبة الفلاح (۱۴۰۷)، تعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها؛ النظرية و التطبيق (۲۰۰۶) با همکاری ایمان احمد هریدی، نظریات المناهج التربوية (۲۰۰۶)، التربية و ثقافة التكنولوجيا، ۲۰۰۶، تقويم برامج تعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها فى الوطن العربی (۱۹۸۵)، الشجرة التعليمية، رؤية متكاملة للمنظومة التربوية (۱۹۹۹)،
دکتر ایمان احمد هریدی استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه قاهره است.

۴-۲. موضوعات کانونی اثر

این کتاب به ۱۳ فصل تقسیم شده است. **فصل اول** به تعریف زبان و برنامه درسی اختصاص داده شده است. در این فصل مباحث مفیدی در مورد نقش زبان و ویژگی-های زبان عربی ذکر شده است. مباحث ضروری هم در مورد تفاوت اصطلاحات «تعليم العربية للأجانب و لغير العرب»، «تعليم العربية لغير الناطقين بها»، «تعليم العربية للناطقين بغيرها» و «تعليم العربية للناطقين بلغات أخرى» ارائه شده است. دو مدل به عنوان نمونه از مدل‌های طراحی برنامه درسی نیز در این فصل تبیین شده است و در پایان فصل هم مدل برنامه درسی مورد نظر کتاب که بر پایه جهان بینی اسلامی است شرح داده شده است.

در **فصل دوم** اصول برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب زبان‌ها بررسی شده است. در این فصل سه اصل دانشی و زبانی، تربیتی و اجتماعی زیر مجموعه اصول فرهنگی ارائه شده است. بعد از بررسی اصول برنامه درسی، این کتاب به تشریح عناصر برنامه درسی یعنی اهداف، محتوی، فرایند یاددهی یادگیری و ارزشیابی پرداخته است. در **فصل سوم**، عنصر «اهداف تربیتی مهارت‌های زبانی» و در **فصل چهارم**، عنصر «محتوای برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها» مورد بحث قرار گرفته است. در فصل چهارم، علاوه بر شیوه‌های تنظیم محتوا و معیارهای انتخاب محتوا، برخی از انواع محتوای برنامه درسی از جمله محتوای قواعد محور، محتوای موقعیت محور و محتوای معنا محور تبیین شده است.

فصل پنجم به شیوه‌های تدریس و یادگیری زبان عربی اختصاص دارد که با عنوان «نظریات آموزش و یادگیری زبان عربی و روش‌های تدریس آن» ارائه شده است. در

این فصل به صورت خلاصه روش‌های دستور ترجمه، شنیداری-گفتاری و روش مستقیم بررسی شده‌اند و ارتباط آنها با نظریه‌های ساختارگرایی و رفتارگرایی تبیین شده است. همچنین برخی از نشانه‌های این روش‌ها و نظریه‌ها در زبانشناسی قدیم عربی هم مورد بحث قرار گرفته است. در **فصل ششم** رویکرد فرهنگی در برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب زبان‌ها ارائه شده است که منظور از فرهنگ در این رویکرد فرهنگ اسلامی و فرهنگ عربی است که در برگیرنده مفاهیم بندگی، دین، عبادت، توحید، شرک، رسالت، حفظ و فهم برخی از آیات قرآن، حقیقت هستی در جهان بینی اسلامی و برخی دیگر از مفاهیم اسلامی و همچنین برخی از مسائل فرهنگی عربی است.

فصل هفتم این کتاب هم به رویکرد ارتباطی در آموزش و یادگیری زبان عربی اختصاص دارد. علاوه بر ذکر تعاریف و مفاهیم مهم در این رویکرد، شیوه تدریس مهارت‌های چهارگانه و قواعد بر اساس این رویکرد و تشابهات این رویکرد با نظریات ابن خلدون به صورت خلاصه ذکر شده است. **فصل هشتم** هم به یکی از موضوعات مهم آموزش زبان خارجی یعنی آموزش زبان عربی برای اهداف ویژه اختصاص دارد. در این فصل علاوه بر ویژگی‌ها، اهداف و برخی از مشکلات آموزش زبان عربی برای اهداف ویژه، به برخی از تجارب مراکز آموزش زبان در کشورهای عربی در آموزش عربی برای اهداف ویژه اشاره شده است. در **فصل نهم** نویسندگان به بررسی «آموزش زبان عربی به کودکان غیر عرب‌زبان» پرداخته‌اند. در این فصل نقش، ویژگی‌ها و توانایی‌هایی که معلم آموزش عربی به کودکان غیر عرب‌زبان باید داشته باشند تبیین شده است. **فصل دهم** مبحث مهمی را در آموزش نوین با نام «تکنولوژی دانش و اطلاعات و تحول در محیط یادگیری» ارائه داده است که در آن بر اهمیت و ضرورت توجه به «آینده پژوهشی» و تکنولوژی‌های جدید در آموزش زبان عربی تاکید شده است.

فصل یازدهم هم به یکی دیگر از عناصر برنامه درسی یعنی «ارزشیابی» پرداخته است که در آن ارزشیابی از دو رویکرد «بررسی تطبیقی دو زبان» و «تحلیل خطاهای زبانی» مورد بحث قرار گرفته است. **فصل دوازدهم** هم به یکی از مهمترین مباحث حوزه برنامه درسی آموزش زبان خارجی یعنی «تربیت معلم» اختصاص دارد که در آن معیارها و ویژگی‌های معلم زبان عربی تبیین شده است. **فصل پایانی** کتاب هم به چگونگی تالیف کتاب برای آموزش عربی به غیر عرب زبان‌ها اشاره دارد که در آن

۲۰۶ بررسی و نقد مطالعات برنامه درسی آموزش زبان عربی به ...

چگونگی پرداختن محتوای کتاب به واژگان، قواعد، مهارت‌ها و مباحث فرهنگی و همچنین ویژگی‌های تمرینات و ملحقات کتاب از جمله کتاب «راهنمای معلم» بررسی شده است.

۴-۳. بررسی شکلی اثر

فهرست اعلام			جدول و تصویر و نمودار و نقشه				فهرست مطالب		مقدمه		بیان هدف اثر	
منابع	موضوعی	الهام	نقشه	نمودار	تصویر	جدول	فهرست مطالب	مقدمه	بیان هدف اثر	موضوعی	بیان هدف اثر	
**				**		**		**		**	**	

حروف نگاری اثر واضح و خوانا است. صفحه آرایشی و صحافی مناسب و مطلوب است. از نظر قواعد عمومی ویرایش و نگارش در حد مطلوب و تقریباً خالی از اغلاط نگارشی و چاپی است.

از نظر جامعیت صوری، مقدمه کتاب دو صفحه است که نویسندگان در آن به صورت مختصر به مباحث کتاب اشاره کرده‌اند. هدف کتاب به صورت ضمنی اشاره شده است. فصل‌های کتاب فاقد مقدمه هستند. فهرست مطالب کتاب، به صورت اجمالی ذکر شده است. کتاب دارای نمودارها و جدول‌های توضیحی برای تبیین برخی از مباحث است. کتاب فاقد فهرست اعلام و مکان‌ها و اصطلاحات است.

۴-۴. بررسی محتوایی اثر

۴-۴-۱. رویکرد یا دیدگاه نویسندگان در برنامه درسی

منظور از دیدگاه یا رویکرد در اینجا، چهارچوب کلی است که نویسندگان برای ارائه برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها پیشنهاد می‌کنند و یا اینکه از مباحث آنان قابل استنباط است. هرچند دیدگاه واقعی نویسندگان در کتاب‌های عملی که برای آموزش زبان عربی نگاشته‌اند، ظهور پیدا می‌کند و در پژوهش‌های نظری مثل این کتاب که نوعی ارائه و معرفی رویکردها و روش‌ها است نمی‌توان به صورت قاطع در مورد رویکرد و روش مؤلفان نظر داد، اما با توجه به اینکه این کتاب نوعی بومی

سازی رویکردها و روش‌های غربی است، می‌توان دیدگاه غالب مؤلفان را استنباط کرد. به نظر می‌رسد دیدگاه غالب نویسندگان برای ارائه برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها یک دیدگاه فرهنگی است. علاوه بر اشاره مستقیم نویسندگان به رویکرد فرهنگی در آموزش زبان عربی در فصل ششم، این دیدگاه در سایر مباحث کتاب در مورد عناصر برنامه درسی قابل استنباط است. دیدگاه فرهنگی مورد نظر، یک دیدگاه مبتنی بر فرهنگ اسلامی عربی است که در اصول برنامه درسی، اهداف و سایر عناصر برنامه درسی متبلور می‌شود.

در مورد اصول برنامه درسی در این کتاب، دیدگاه فرهنگی اسلامی کاملاً واضح است. اصول شناختی برنامه درسی آموزش زبان عربی در جهان بینی عربی اسلامی نسبت به هستی، انسان، زندگی و ایمان به خدا متبلور می‌شود (ص ۸۷-۹۰). اصول روانشناسی برنامه درسی هم از منظر طبیعت انسانی در اسلام، آزادی فطری او و ایمان فطری به خداوند سرچشمه می‌گیرد (صص ۱۰۱-۱۱۰). اصول اجتماعی هم متأثر از مفاهیم دین و زندگی در جهان بینی اسلامی هستند. در بررسی اصول اجتماعی، طبیعت مجتمع اسلامی و تفاوت آن با مجتمعات دیگر باید مورد لحاظ قرار گیرد (صص ۱۳۳-۱۴۰).

در مورد اهداف در برنامه درسی، نویسندگان معتقدند که دیدگاه متغیر بودن اهداف که برخی از نظریه پردازان غربی مثل جان دیویی مطرح کرده‌اند دیدگاه صحیحی نیست؛ زیرا در نظر گرفتن اهداف تربیتی متغیر برای برنامه درسی با فطرت انسانی و خصوصیات آن سازگار نیست و همین امر از عواملی است که منجر به بی‌ثباتی زندگی انسان معاصر و سلب آرامش از وی شده است (ص، ۱۷۰).

این دیدگاه فرهنگی نویسندگان در بحث تربیت معلم عربی هم قابل استنباط است. معلمی که قصد دارد زبان عربی را به غیر عرب‌زبان‌ها آموزش دهد باید علاوه بر معیارهای مثل تسلط زبانی، علمی، مهارتی و پژوهشی دارای ویژگی‌ها و خصائص اخلاقی اسلامی و انسانی باشد. معیارهایی مثل الگوی اسلامی و انسانی بودن، درک کردن حقیقت جهان هستی و جایگاه انسان در آن و اعتقاد به زندگی دنیوی و اخروی.

در بحث نظریات و روش‌های آموزش و یادگیری زبان عربی هم علاوه بر رویکردها و روش‌هایی مثل رویکرد ارتباطی و روش دستور ترجمه، روش مستقیم، روش شنیداری گفتاری و روش خوانداری، رویکرد دیگری به نام رویکرد فرهنگی مطرح شده است و نویسندگان این بحث را مطرح کرده‌اند که بسیاری از متخصصان آموزش زبان عربی معتقدند زبان عربی می‌تواند از خلال فرهنگ اسلامی به غیر عرب‌زبان‌ها آموزش داده

شود (۲۴۸-۲۹۰) البته این رویکرد نه به عنوان جایگزینی برای رویکردها و روش‌هایی مثل رویکرد ارتباطی و روش‌های شنیداری گفتاری و مستقیم بلکه به عنوان جایگزینی برای رویکردهایی مثل رویکرد امنیتی، اقتصادی و سیاسی مطرح می‌شود (ص ۳۴۹).

۴-۲-۴. روش تدریس

منظور از روش تدریس، روشی است که مؤلفان از میان روش‌های مألوف مثل روش دستور ترجمه، روش مستقیم، روش شنیداری گفتاری و روش‌های مبتنی بر رویکرد ارتباطی، در برنامه درسی پیشنهاد داده‌اند.

نویسندگان در این کتاب به ارائه روش‌ها اکتفاء کرده‌اند و روش مشخصی را به صورت صریح بر روش‌های دیگر ترجیح و پیشنهاد نداده‌اند؛ با این وجود از دیدگاه‌های پراکنده نویسندگان در بخش‌های مختلف کتاب می‌توان این نکته را استنباط کرد که نویسندگان یک روش مشخص را مد نظر ندارند بلکه معتقد به استفاده از ویژگی‌های مثبت همه روش‌های تدریس هستند. مثلاً در مورد ترتیب ارائه مهارت‌ها، بر همان ترتیبی که در روش شنیداری گفتاری وجود دارد تاکید می‌کنند و معتقدند که ترتیب طبیعی فراگیری مهارت‌های زبانی، شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن است (ص ۹۶). همچنین معتقدند که تقلید و حفظ گفتگوها و تمرین ترکیب‌های زبانی بر اساس نظریه محرک پاسخ رفتارگرایی مناسب است ولی با استناد به برخی اصول رویکرد ارتباطی، یادآور می‌شوند که یادگیری زبان فقط از طریق تقلید امکان پذیر نیست بلکه کودک در ذهن خود به فرضیه سازی در مورد زبانی که آن را می‌شنود می‌پردازد و از اینرو یادگیری فقط بر اساس تکرار کورکورانه نیست بلکه کودک بر اساس فرضیاتی که در ذهنش می‌سازد زبان را اصلاح می‌کند و آنرا گسترش می‌دهد. به همین خاطر معلمان باید به اصلاح فوری خطاهای زبانی بپردازند بلکه بهتر است زبان آموزان را به سخن گفتن تشویق کنند و برای آنان فرصت‌های استفاده از زبان را فراهم نمایند. این امر بهتر از تکرار کورکورانه و بدون تفکر نمونه‌های آماده زبان است. معلمان بهتر است که به زبان آموزان اجازه دهند تا جملاتشان را حتی اگر غلط باشد، کامل کنند سپس به طبقه بندی خطاهای زبان آموزان بپردازند و اگر ضرورت داشت اسلوب‌های صحیح را به آنان ارائه دهند (ص ۵۷۵).

علاوه بر این نویسندگان در فصل هفتم کتاب که به بررسی رویکرد ارتباطی در آموزش و یادگیری زبان عربی پرداخته‌اند بر ضرورت توجه به موقعیت‌های ارتباطی در آموزش زبان عربی تاکید کرده‌اند.

۴-۳. میزان تناسب و جامعیت محتوا و موضوع اثر با سرفصل‌های برنامه درسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی درسی دو واحدی با نام «برنامه درسی» وجود دارد که در آن رویکردهای برنامه درسی، نیازسنجی، شیوه تهیه و تدوین مطالب درسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که این درس در مقطع کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان عربی نیز ایجاد شود این کتاب، می‌تواند به عنوان منبع فرعی برای این درس مورد استفاده قرار گیرد. کتاب حاضر به دلیل فقدان برخی از مباحث مهم برنامه درسی مثل «نیازسنجی»، «تاریخچه نظریات برنامه درسی» و «نمونه‌های تطبیقی از عناصر برنامه درسی» جامعیت لازم به عنوان منبع اصلی درس برنامه درسی را ندارد.

این کتاب همچنین می‌تواند به عنوان منبع فرعی درس «آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های آموزش زبان» مورد استفاده قرار گیرد. در درس «آموزش زبان عربی برای فهم متون دینی» هم می‌توان از این کتاب به عنوان منبع فرعی برای آشنایی دانشجویان با شیوه‌های برنامه ریزی آموزش زبان عربی با اهداف فرهنگی و دینی استفاده نمود.

۴-۴. نوآوری و ارزش علمی اثر

کتاب‌های زیادی در حوزه برنامه درسی در زبان انگلیسی وجود دارد از جمله این کتاب‌ها: «Syllabus design» از «نونان» (Nunan) (۱۹۹۳)، «Elements of Language Design language courses: A Guide For» از براون (Brown) (۱۹۹۵)، «Curricula Teachers Language Curriculum» از کاتلین گراوز (Kathleen Graves) (۲۰۰۰)، و «Design Curriculum» از نیشن و ماکیلیستر (Nation & John Maclister) (۲۰۱۰)، و «Development In language Teaching» از ریچاردز (JACK C. RICHARDS) (۲۰۰۰) که این کتاب توسط ناصر غالی و صالح شویرخ با نام «تطویر المناهج اللغویة» به عربی نیز ترجمه شده است.

در زبان عربی کتاب‌هایی که به صورت مستقیم به برنامه درسی پرداخته باشند بسیار اندک هستند. بیشتر کتاب‌های این حوزه به عناصر برنامه درسی به صورت مجزا مثل

اصول برنامه درسی، روش‌های تدریس، ارزشیابی و تربیت معلمان پرداخته اند. کتاب «تعلیم اللغه اتصالیا بین المناهج و الاستراتیجیات» از رشدی أحمد طعیمه و محمود کامل الناقه (۲۰۰۶) از جمله معدود کتاب‌هایی است که به بررسی یک برنامه درسی آموزش زبان عربی با در نظر گرفتن همه عناصر آن (اصول، روش تدریس، محتوی و ارزشیابی) از منظر رویکرد ارتباطی پرداخته است.

از این رو نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های صورت گرفته در زبان عربی این است که نگارش کتابی جامع به زبان عربی که به ارائه اصول و عناصر برنامه درسی آموزش زبان عربی و نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های این حوزه بپردازد ضروری بوده است.

در مقایسه با کتاب‌های زبان انگلیسی واقعیت این است که این کتاب‌ها به صورت کامل و روشمند تاریخچه برنامه درسی آموزش زبان خارجی و مدل‌ها، نظریه‌ها و روش‌های این حوزه را ارائه داده‌اند و برای طراحی برنامه درسی در آموزش هر زبانی مراجعه به این کتب ضروری است. در مقابل کتاب «المرجع فی مناهج تعلیم اللغه العربیه للنناطقین بلغات أخری» به هیچ وجه نوعی تعریب نظریات غربی نیست بلکه در سراسر کتاب نویسندگان تلاش کرده‌اند که این نظریات را بر اساس سیاق آموزشی زبان عربی بومی سازی کنند و در بسیاری از مواقع آنها را با آراء زبان‌شناسان قدیم عربی همچون عبدالقاهر و ابن خلدون مطابقت داده‌اند. همچنین پژوهشگران توانسته‌اند به خوبی این نظریات را بر اساس جهان بینی اسلامی در مورد آموزش و پرورش تطبیق دهند. با این وجود این امر باعث نشده است که توجه به مباحث اسلامی و جهان بینی اسلامی و حتی محتوای فرهنگی عربی اسلامی در برنامه درسی سبب شود تا همچون بسیاری از برنامه‌های درسی دینی، پژوهشگران از کاربردهای مفید این نظریات و روش‌ها غافل شوند بلکه تلاش کرده‌اند تا ارائه این نظریات در یک چهارچوب اسلامی، مانع از بین رفتن رویکردها، روش‌ها و استراتژی‌های علمی در آموزش زبان نشود.

۴-۴-۵. فواید کتاب

برای پژوهشگران: این کتاب پژوهش ارزشمندی برای پژوهشگرانی است که در حوزه برنامه درسی آموزش زبان عربی کار می‌کنند.

برای برنامه ریزان: این کتاب، منبع مناسبی برای برنامه ریزان آموزش زبان عربی در مدارس است. با توجه به اینکه هدف آموزش زبان عربی در مدارس، فهم متون دینی و

در واقع یک هدف فرهنگی و زبانی است، دیدگاهی که این کتاب نسبت به آموزش زبان عربی از خلال مباحث فرهنگی دارد و در عین حال نوآوری که این کتاب در مورد جمع بین ارائه رویکردها، روش‌ها و استراتژی‌های آموزش زبان در یک چهارچوب اسلامی عربی دارد می‌تواند الگویی برای آموزش زبان عربی در مدارس با اهداف زبانی فرهنگی باشد. این کتاب اهداف کلی و فرعی خوبی هم در در بخش زبانی مهارت‌ها و قواعد و هم در بخش تقویت دیدگاه‌های فرهنگی زبان آموزان مطرح کرده است. برای مدرسان: روش‌ها و معیارهای تنظیم محتوا، روش‌های تدریس و شیوه‌های افزایش انگیزه در زبان آموزان از جمله مهمترین مباحثی هستند که در این کتاب می‌تواند برای مدرسان مورد استفاده قرار گیرد.

۴-۶. نارسایی‌های محتوایی کتاب

یکی از مهمترین ضعف‌های کتاب نپرداختن به عنصر مهم و اساسی «نیازسنجی» (Needs Analysis) در برنامه درسی است. تقریباً همه کتاب‌های حوزه برنامه درسی «نیازسنجی» را به عنوان عنصری مهم و تعیین کننده برای سایر عناصر دیگر برنامه درسی، مورد بررسی قرار داده‌اند. قطعاً نگارندگان به اهمیت نیازسنجی واقف بوده‌اند ولی به هر حال نپرداختن به این عنصر مهم و تبیین شیوه‌ها و ذکر نمونه‌های نیازسنجی در برنامه درسی آموزش زبان عربی، ضعف بزرگی برای این کتاب که کتابی جامع در حوزه برنامه ریزی درسی آموزش زبان عربی است، به شمار می‌رود. نقص دیگر این کتاب عدم ذکر نمونه‌هایی تطبیقی به صورت پیوست برای مباحث نظری هر فصل است. هرچند نمونه‌هایی از اهداف اصلی و فرعی آموزش زبان عربی در سه سطح مبتدی، متوسط و پیشرفته ذکر شده است ولی بقیه فصول و مباحث کتاب فاقد نمونه‌های تطبیقی است این درحالی است که اغلب کتاب‌های حوزه برنامه ریزی درسی زبان انگلیسی پیوست‌هایی از نمونه‌های تطبیقی در مورد عناصر برنامه درسی مثل نیازسنجی، طراحی اهداف، محتوا، ارزشیابی و شیوه‌های ارزیابی معلمان به همراه دارند. این نمونه‌ها مخصوصاً برای پژوهشگرانی که قصد پژوهش در برنامه درسی دارند بسیار مفید هستند.

نارسایی دیگر این کتاب این است که در برخی از مباحث نویسندگان به ذکر برخی از راهنمایی‌ها و اصول کلی اکتفاء کرده‌اند. در فصل دوازدهم که به تربیت و آماده سازی معلمان آموزش زبان عربی اختصاص دارد تمامی مباحث در ارائه معیارهای کلی در

مورد ویژگی‌های اخلاقی، انسانی و مهارتی معلمان خلاصه شده است و هیچ مبحثی در مورد چگونگی آماده سازی معلمان و ارزیابی و ارتقاء عملکرد آنان ارائه نشده است.

۵. نتیجه گیری

کتاب «المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة لغير الناطقین بها» یکی از مهمترین و جدیدترین کتاب‌هایی است که توسط نویسندگان مشهور جهان عرب در حوزه برنامه ریزی درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها به رشته تحریر درآمده است. بعد از بررسی این کتاب، نتایج پژوهش برای پاسخ به سه سوال پژوهش عبارتند از:

سوال اول پژوهش: دیدگاه و روش غالب نویسندگان در برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبانان چیست؟ بررسی محتوایی این کتاب نشان داد که دیدگاه کلی حاکم بر این پژوهش یک دیدگاه فرهنگی بوده است و نویسندگان تلاش کرده‌اند که نظریات، رویکردها و روش‌های برنامه ریزی درسی آموزش زبان خارجی را در یک چهارچوب فرهنگی اسلامی عربی ارائه دهند. روش تدریسی که نویسندگان در برنامه درسی پیشنهاد می‌کنند به صورت مستقیم ارائه نشده است اما از مباحث پراکنده‌ای که در مورد نقش زبان و شیوه تدریس آن در کتاب ارائه داده‌اند می‌توان استنباط کرد که روش پیشنهادی هم از اصول رویکرد ارتباطی و هم از برخی اصول روش شنیداری-گفتاری استفاده می‌کند.

سوال دوم پژوهش: نوآوری و ارزش علمی این اثر در مقایسه با آثار مشابه در زبان عربی و انگلیسی چیست و نقاط ضعف آن کدام است؟ ارزش علمی این کتاب در مقایسه با آثار مشابه در زبان عربی این است که کتاب جامعی در مورد برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها وجود نداشته است و این کتاب جدیدترین و کامل‌ترین پژوهشی است که به تبیین اصول برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها و عناصر آن پرداخته است. در مقایسه با پژوهش‌های صورت گرفته در زبان انگلیسی، ارزش این کتاب نه در تبیین اصول و عناصر برنامه درسی، بلکه در ارائه آنان در یک چهارچوب فرهنگی اسلامی و بر اساس سیاق آموزش زبان عربی است. از جمله نارسایی‌های این کتاب در مقایسه با آثار مشابه در زبان انگلیسی و غالب پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه برنامه ریزی درسی، نپرداختن به عنصر «نیازسنجی» به عنوان اولین عنصر برنامه ریزی درسی است که تقریباً اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه برنامه ریزی درسی این عنصر را به عنوان زیرساخت عناصر

دیگر به صورت مفصل تبیین کرده‌اند. از دیگر نارسایی‌های این پژوهش این است که در برخی مباحث از جمله مبحث « تربیت و آماده سازی معلم زبان عربی نویسندگان به ذکر برخی معیارهای کلی اخلاقی و مهارتی اکتفاء کرده‌اند و مباحث مورد نیاز و ضروری مثل چگونگی آماده سازی معلمان و ارزیابی و ارتقاء عملکرد آنان بررسی نشده است. از جمله نقص‌های دیگر کتاب ارائه ندادن نمونه‌های عملی از مباحث مطرح شده از جمله نمونه‌هایی از پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های نیازسنجی، نمونه‌هایی از محتوا بر اساس رویکردها و روش‌های ذکر شده و نمونه‌هایی از شیوه‌های ارزشیابی و ارزیابی عملکرد معلمان است.

پرسش سوم پژوهش: تجارب قابل استفاده از این اثر برای برنامه‌های درسی آموزش زبان عربی در ایران کدام است؟ با توجه به اینکه هدف آموزش زبان عربی در مدارس، فهم متون دینی و در واقع یک هدف فرهنگی و زبانی است، چهارچوب فرهنگی که این کتاب برای آموزش زبان عربی پیشنهاد می‌دهد، می‌تواند بوسیله نیازسنجی و بر اساس سیاق آموزشی زبان عربی در مدارس ایران، مورد استفاده برنامه ریزان و مدرسان قرار گیرد. این چهارچوب همچنین می‌تواند در حوزه‌های علمی که آموزش زبان عربی با اهداف دینی صورت می‌گیرد، با تغییرات محتوایی مورد استفاده قرار گیرد. الگوی مطرح شده در این کتاب در صورتی که بر اساس نیازهای دانشجویان در رشته زبان و ادبیات عربی و یا زبان‌آموزان عربی در مراکز غیر دانشگاهی اصلاح شود، می‌تواند در برنامه درسی دانشگاه‌ها و این مراکز هم مورد استفاده قرار گیرد. این کتاب همچنین می‌تواند به عنوان منبع فرعی درس «آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های آموزش زبان» مورد استفاده قرار گیرد. در درس «آموزش زبان عربی برای فهم متون دینی» هم می‌توان از این کتاب به عنوان منبع فرعی برای آشنایی دانشجویان با شیوه‌های برنامه ریزی آموزش زبان عربی با اهداف فرهنگی و دینی استفاده نمود.

پیشنهادات:

– ارائه درسی ۲ واحدی با عنوان « برنامه ریزی درسی» در مقطع کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان عربی ضروری به نظر می‌رسد. این درس در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی ارائه می‌شود.

سرفصل‌های پیشنهادی برای این درس:

۱- تاریخچه برنامه ریزی درسی آموزش زبان خارجی و آموزش زبان عربی ۲- اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی ۳- نیازسنجی و طراحی اهداف در برنامه درسی ۴- تهیه و

تدوین محتوای درسی ۵- شیوه های ارزشیابی یادگیری زبان آموزان ۶- ارزیابی برنامه درسی ۷- رویکردهای برنامه درسی (بویژه برنامه درسی بر اساس رویکرد ارتباطی و رویکرد فعالیت محور) ۸- تربیت معلم زبان عربی منابع پیشنهادی برای این درس:

- بهترین منبعی که تقریباً همه سرفصل های ذکر شده را ارائه داده است کتاب «تطویر المناهج اللغویة» از ریتشاردز، جاک. ۲۰۰۱ و ترجمه: ناصر بن عبد الله بن غالی و صالح بن ناصر الشویرخ است که به صورت نسخه الکترونی در ایران قابل دسترس است.

منابع دیگر برای این درس:

- طعیمة، رشدی أحمد و الآخرون. ۲۰۱۰، المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة للناطقین بلغات أخرى. الطبعة الأولى. قاهرة: دار الفكر العربی.

- کامل الناقه و محمود، أحمد طعیمة، رشدی. ۲۰۰۶، تعلیم اللغة اتصالیا بین المناهج و الاستراتیجیات. منشورات المنظمة الإسلامیة للإعداد و العلوم و الثقافة-إسیسکو.

- أحمد طعیمة، رشدی. ۱۹۸۲، الأسس المعجمیة و الثقافیة لتعلیم اللغة العربیة لغير الناطقین بها. مکه.

- مهر محمدی، محمود و همکاران. ۱۳۹۰، برنامه درسی نظرگاهها، رویکردها و چشم-اندازها(ویراست دوم). چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.

-Tomlinson, B.(ed.).(2003). Materials development in language teaching.

Cambridg: cambridg university press.

-Nunan, D. (1993) Syllabus design. Oxford: Oxford University Press.

-Nation, I.S.P., & Macalister, J. (2010). Language Curriculum Design. First published, New York, Routledge.

- Willis, D and Willis, J. (2007). Doing Task-based Teaching, Oxford University Press.

پی نوشت

۱. برای نمونه مراجعه شود به مدل مردوچ (Murdoch) (۱۹۸۹)، مدل تسمیر و ودمن (Tessmer

and Wedman) (۱۹۹۰)، مدل براون (Brown) (۱۹۹۵)، مدل کاتلین گراوز (Graves) و مدل

نیشن و ماکلیستر (۲۰۱۰) (nation & Macalister 2010: 138 ,

145, Brown, 1995:20, Graves, 2000: 3).

منابع

بسیونی عمیره، إبراهيم (۱۹۹۱)، المنهج وعناصره. الطبعة الثالثة. القاهرة : دار المعارف.
ريتشاردز، جاك (۲۰۰۱). تطوير مناهج تعليم اللغة، ترجمة: ناصر بن عبد الله بن غالي و صالح بن ناصر
الشويخ، نسخة الكترونية.
طعيمة، رشدي أحمد و الآخرون (۲۰۱۰)، المرجع في مناهج تعليم اللغة العربية للناطقين بلغات أخرى، الطبعة
الأولى، القاهرة : دار الفكر العربي.
كامل الناقة، محمود، أحمد طعيمة، رشدي (۲۰۰۶)، تعليم اللغة اتصاليا بين المناهج و الاستراتيجيات،
منشورات المنظمة الإسلامية للإعداد و العلوم و الثقافة-إيسيسكو

Brown, D, (2001), Teaching by Principles: An Interactive Approach to Language Pedagogy. San Francisco: Longman Inc.

Graves, K, (2000). Designing language courses: A guide for teachers, Heinle and Heinle.

McDonough, J. & Shaw, C. (2003). Materials and Methods in ELT a Teachers' Guide3.

Nation, I.S.P., & Macalister, J. (2010). Language Curriculum Design. First published, New York, Routledge.

Nunan, D. (1993) Syllabus design. Oxford: Oxford University Press.